

تحلیل انسجام غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا

محمدحسن امرائی*

۲۱۵

ذهن

تحلیل انسجام غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا

چکیده

ارتباط و انسجام میان اجزای مختلف سوره‌های قرآن موضوعی است که از قرن‌ها پیش در سخن قرآن‌پژوهان غربی و شرق‌شناسان جایگاه خاصی یافته و برخی همانند نولدکه، بلاشر، کارلایل، گلدزیهر و... با طرح ادعاهایی بی‌دلیل و برخلاف روایات تاریخی تلاش کرده‌اند موضوع انسجام در قرآن کریم را بشری و سلیقه‌ای قلمداد کنند. این پژوهش بر آن است با نگاهی فراجمله‌ای و متن‌بنیاد با اتکا به نسخه تکامل‌یافته از نظریه نظام‌مند نقش‌گرای دستوری هالیدی و نیز مفهوم هماهنگی انسجامی که رقیه حسن مطرح نمود، عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی را در تمام آیات سوره «لیل»، به صورت گزینشی و استقرایی به بوطه نقد و ارزیابی توصیفی-تحلیلی و آماری گذاشته است تا ضمن ارائه پاسخی عملی و کاربردی به اتهامات ناروای مستشرقان و قرآن‌پژوهان غربی در موضوع انسجام قرآن نشان دهد که سوره لیل از قرآن کریم کاملاً منسجم و دارای هماهنگی انسجامی است و ادعای مدعیان غربی و شرق‌شناسان در مورد بی‌نظمی و عدم تناسب و همبستگی آیات قرآن و اسلوب آن، به‌ویژه در خصوص سوره لیل در این مطالعه موردی، بی‌اساس و فاقد وجهت منطقی و علمی است. دستاورد پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، نشان داد که: ۱. متن سوره لیل با توجه به شاخص‌های هالیدی و حسن درصد بالایی از انسجام متنی نزدیک به ۹۶٪ را داراست. ۲. عامل انسجامی جزء و کل در متن سوره بیشترین کاربرد را دارد. ۳. به‌جز عامل نام‌گذاری، تمامی عوامل واژگانی و دستوری در متن سوره حضور فعال دارند. واژگان کلیدی: قرآن کریم، تحلیل گفتمان، عوامل انسجام، سوره لیل، زبان‌شناسی نقش‌گرا، هالیدی و حسن.

m.amraei@velayat.ac.ir

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت ایرانشهر.

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۸

مقدمه

ارتباط و انسجام میان اجزای مختلف سوره‌های قرآن موضوعی است که از قرن‌ها پیش میان پژوهشگران، اعم از مسلمان و غیرمسلمان محل نزاع بوده است (ر.ک: زمانی و قانع، ۱۳۹۱، ص ۱۲). این موضوع در سخن برخی شرق‌شناسان و قرآن‌پژوهان مسیحی و یهودی نیز جایگاه خاصی داشته و آنها با توجه به جبهه‌گیری اعتقادی که نسبت به قرآن داشته‌اند، با دیدی عیب‌جویانه، به بررسی آن پرداخته‌اند (ر.ک: آربری، ۱۹۵۵، ج ۲، ص ۱۱-۱۵). این گروه با دیدی منتقدانه و منفی قرآن را نقد کرده و درحقیقت نوعی جنگ اعلان‌نشده‌ای را علیه حقانیت آن آغاز نموده‌اند. همانان همواره با نگرش‌های تشکیکی و تردیدآمیز خواسته‌اند اصل جمع و تدوین قرآن و نظم و تناسب آن را امری بشری و سلیقه‌ای قلمداد کنند.

در میان اخبار منقول از سوی مسلمانان، اخبار ضعیف، مجعول و متناقضی نیز وجود دارد (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۲) مبنی بر اینکه «نظارت پیامبر اکرم ﷺ بر موضوع ترتیب آیات و سوره قرآن کریم ضعیف بوده و یا اساساً وجود نداشته است» (خوش‌منش، ۱۳۸۹، ص ۳۹-۴۰). این اخبار تبدیل به معرکه‌ای جدید در مطالعات قرآنی غربیان در دهه‌های اخیر شده است و آنان به مناسبت‌های مختلف مسئله عدم انسجام و بی‌نظمی در قرآن کریم را مطرح کرده‌اند. در همین راستا به بیان برخی شبهات مستشرقان در موضوع تناسب آیات در منابع جدید و قدیم آنها اشاره می‌شود.

قرآن‌پژوه غربی *توماس کارلایل* بر پایه ترجمه جورج سیل از قرآن و با تأثیرپذیری از آن، صریحاً چنین اظهار نظر کرده است:

من تاکنون کتابی چنین دشوار و پرزحمت در زندگی‌ام ندیده‌ام. انسان در حال خواندن آن هر قدر هم که دقیق باشد، مطالب را با یکدیگر اشتباه می‌کند. به‌طور خلاصه کتابی است ملال‌آور، درهم برهم و گیج‌کننده، ناتمام، بی‌نظم و بی‌قید و خام و ناهنجار. اما هیچ چیز جز حس وظیفه‌شناسی نمی‌تواند یک اروپایی را به تفکر در قرآن جلب کند (زمانی و قانع، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

آرتور جان آربری، قرآن‌پژوه معروف انگلیسی که ترجمه‌ای کلاسیک از قرآن به دست داده است، در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن، تحلیلی از ناپیوستگی‌های قرآن دارد (ر.ک: آربری، ۱۳۸۳، ص ۱-۵۵). آربری در این ارزیابی بر این اعتقاد است که قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی، بسی به دور است. خواننده قرآن به‌ویژه اگر ناچار باشد که به یک ترجمه اکتفا کند، هرچند که آن ترجمه از نظر زبان‌شناختی دقیق باشد، بی‌شک از نسج جسته جسته و ناپیوسته بسیاری از سوره‌های قرآن حیران و هراسان خواهد شد (همان، ص ۳۲/ خرمشاهی، ۱۳۷۴، ص ۴۸). خاورشناس انگلیسی، مونتگومری وات با اندکی ملاحظه خاطر نشان می‌سازد:

یکی از ویژگی‌های سبک قرآنی گسسته بودن آن است. به‌ندرت می‌توان در تکه‌ای طولانی نشانی از وحدت کلام یافت... ترکیب‌بندی قرآن «بی‌نظم» است و هیچ‌گونه «سامان مشخصی» ندارد (وات، ۱۹۷۴، ص ۷۳-۷۴/ حری، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

جان ونزوبرو، خاورشناس آمریکایی نیز «قرآن را فاقد هرگونه نظم و ترتیب منطقی می‌داند و سبب نزول تدریجی قرآن را مواردی همچون بی‌سوادی پیامبر اکرم ﷺ و نیاز او به زمانی برای "سوادآموزی" ذکر می‌کند» (ونزوبرو، ۱۹۷۷، ص ۴۴-۵۰).

رژی بلاشر، شرق‌شناس و عربی‌دان فرانسوی نیز که یکی از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی است، در این باب قلم زده، از روش درهم و ناپیوسته قرآن و تکرارهای خسته‌کننده آن برای خواننده اروپایی ترجمه‌های قرآن سخن می‌گوید (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۱).

بازتلمی سنت هیلر، مستشرق فرانسوی که در سال ۱۸۶۵ ترجمه‌ای از قرآن را منتشر کرد و کتاب محمد و قرآن را به رشته تحریر در آورد، طی بحثی می‌گوید که محمد ﷺ به چند دلیل نتوانست قرآن را درست نظم و ترتیب بدهد و از همین روست که خود او به اشاره به دو جدولی در خصوص ترتیب سور می‌پردازد که توسط دو مستشرق دیگر طراحی و در نیمه قرن نوزدهم میلادی منتشر شده‌اند. این دو تن

عبارت‌اند از *گوستاو ویل* در کتاب *خود* محمد پیامبر و دیگری *ویلیام مویر* در کتاب *حیات محمد* (خوش‌منش، ۱۳۸۹، ۳۹-۴۰ به نقل از: بارتلمی، ۱۸۶۵، ص ۱۸۸).

تئودور نولدکه، مستشرق آلمانی در مقاله خود که در *دایرة المعارف بریتانیکا* انتشار یافته است، ذیل ماده «قرآن» می‌نویسد: «با اینکه این کتاب از جنبه زیبایی و هنری در مقام اول است، اما ربط ضروری، چه در تعبیر یا در تسلسل حوادث، بیشتر مواقع در آن مفقود است» (نولدکه، ماده قرآن در *Ency, Brit. Edition, 11*). همو در ادامه ساختار قرآن کریم را بدین اعتبار که ساختار قصصی و فاقد تسلسل در طریقه اخبار و سیر است، مورد انتقاد قرار داده، می‌گوید:

قصص قرآن از هم گسسته است، تا آنجا که فهم آنها بر کسی که این قصه‌ها را از منابع دیگر اخذ نکرده باشد، دشوار می‌نماید... نولدکه به کثرت انتقال قرآن در خطاب‌هایش از صیغه‌ای به صیغه دیگر و از حالتی به حالت دیگر- مثلاً از غیبت به خطاب و از ظاهر به مضمون- اشاره کرده و این امر را برای خرده‌گرفتن از قرآن مغتنم شمرده است (علی الصغیر، ۱۴۲۰، ص ۲۴-۲۵/ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۷۸).

گوستاولویون، خاورپژوه بلندپایه فرانسوی نیز در کتاب *تمدن اسلام و عرب* می‌نویسد:

قرآن که کتاب آسمانی مسلمانان است، منحصر به دستورات مذهبی تنها نیست، بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است. اگرچه قرآن از جانب خدا نازل شده، لیکن ارتباط بین اجزای آن با هم خیلی کم است (گوستاولویون، ۱۳۴۷، صص ۱۱۷ و ۱۲۸).

علاوه بر این نظریات دیگری هم هستند که در تبیین این مطلب به توضیحاتی روی آورده‌اند که در آنها سخنی از ویژگی‌های متنی یا ساختاری قرآن به میان نمی‌آید. با این حال، مجال بحث آنها در این پژوهش محدود و زمان اندک وجود ندارد (ر.ک: بارتلمی و هیلاری، ۱۸۶۵، ۱۷۹-۱۸۰).

اگرچه موضوع انسجام یا به تعبیری نظم کلام از قرن‌ها قبل در میان دانشمندان

مسلمانان مطرح بوده و آنان قائل به وجود نظم و انسجام در قرآن کریم بوده و نظریات ارزنده‌ای هم در این راستا ابراز داشته‌اند که مهم‌ترین و نخستین آنها «نظریه نظم» از عبدالقاهر جرجانی است (ر.ک: ذوقی، ۱۳۹۲، ص ۶)؛ اما مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر در پاسخ به شبهات و اشکال‌تراشی‌های خاورشناسان مبنی بر گسستگی و عدم انسجام متن قرآن (ر.ک: گلذیهر، ۱۳۸۳، ص ۳۰)، بیش از پیش به این موضوع پرداخته‌اند؛ بنابراین نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن در آثار صاحب‌نظران و مفسرانی همچون اصلاحی (۱۹۸۰)، سید قطب (۱۹۶۶)، حوی (۱۹۹۱)، فراهی (۱۹۳۰)، طباطبائی (۱۴۱۲) و برخی دیگر از قرآن‌پژوهان معاصر قابل ملاحظه است. ایشان در تفاسیر خود این موضوع را که سوره‌های قرآن ساختاری منسجم و منظم دارند و هر کدام دقیقاً یک کل هماهنگ و متناسب‌اند، مسلم انگاشته‌اند. رویکرد عموم این مفسران تحلیلی- ترکیبی است؛ یعنی ابتدا سوره را به چندین بخش تقسیم می‌کنند، آن‌گاه تلاش می‌کنند مناسبت میان بخش‌ها را بیابند؛ البته رویکرد برخی اندام‌وارتر، کلیت یافته‌تر و منسجم‌تر از رویکرد دیگران است (ر.ک: مکوند و شاکر، ۱۳۹۴). در این میان نخستین کسی که بر نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن تأکید کرد، تهنوی (۱۹۴۳) بود که در تفسیر ارزشمند خود، چگونگی ارتباط یک آیه با آیات قبل و بعد خود را توضیح داده است. نظیر همین دیدگاه در آثاری چون تفسیر المنار از محمد عبده (۱۴۲۰) و رشیدرضا (۱۹۹۰)، فی ظلال القرآن از سید قطب (۱۹۶۶) و المیزان فی تفسیر القرآن از طباطبائی (۱۴۱۲) قابل ملاحظه است. کسانی چون شلتوت (۲۰۰۴) و مودودی (۱۹۸۹) نیز در تفاسیر خود انسجام سوره‌های قرآن را بدیهی و مسلم انگاشته‌اند. شاید پیگیرانه‌ترین تلاش در این راستا، متعلق به دو مفسر شبه قاره هند، فراحی (۱۹۳۰) و شاگردش اصلاحی (۱۹۸۰) است. آنان دیدگاه تفسیری جامع‌نگرتری را نسبت به دیگران عرضه کرده‌اند. در سالیان اخیر نیز پژوهشگرانی با همین رهیافت به اثبات انسجام در بافتار قرآن پرداخته‌اند که می‌توان به حوی، بازرگان (۱۳۷۵) و بستانی (۱۴۲۲) اشاره نمود (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۶، ص ۸۰).

بسیاری از پژوهش‌هایی که تا کنون به موضوع انسجام در قرآن پرداخته‌اند، رویکردی موضوعی داشته و به دنبال اتساق معنایی و وحدت مضمونی در سوره‌ها نیستند و این مطلب لزوماً مساوی انسجام ساختاری نخواهد بود و معیارهای ارائه‌شده توسط این پژوهشگران غالباً جنبه انتزاعی، نظری و ذهنی دارند. با این حال پژوهش حاضر به دنبال ارائه الگوی عملی و معین برای اندازه‌گیری و تعیین میزان انسجام در متن سوره «لیل» از قرآن کریم است؛ لذا پژوهش حاضر اساساً پاسخی عملی و کاربردی به اتهامات ناروای مستشرقان و قرآن‌پژوهان غربی در موضوع انسجام قرآن کریم است. این پژوهش با تکیه بر آرای هالییدی و حسن در خصوص انسجام متن (۱۹۸۵) با یافتن عوامل انسجامی موجود در متن قرآن کریم در سوره منتخب لیل می‌پردازد و بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد:

۱. با توجه به نظریات غالب قرآن‌پژوهان غربی و شرق‌شناسان که وجود انسجام در آیات و سوره‌های قرآن کریم را انکار کرده‌اند (ر.ک: بل - وات، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵-۱۱۹)، آیا سوره لیل به عنوان یکی از سوره‌های قرآن کریم، دارای انسجام و هماهنگی انسجامی است؟

۲. عوامل انسجام متن در سوره لیل کدام‌اند؟

۳. انسجام متنی سوره لیل با رویکرد به الگوی انسجام هالییدی و حسن (۱۹۸۵) به چه میزان است؟

فرضیات تحقیق بدین صورت است:

۱. مطالعه موردی سوره لیل از آیات قرآن نشان می‌دهد که ادعاهای مدعیان غربی در باب عدم انسجام قرآن کاملاً بی‌اساس است؛ تا جایی که سوره لیل بر اساس نظریه انسجام هالییدی و حسن (۱۹۸۵) دارای انسجام و نظم بسیار بالا و نزدیک به ۹۶٪ درصد است.

۲. تقریباً تمامی عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی، اعم از عناصر واژگانی، مانند ارجاع، جایگزینی و حذف و نیز عوامل دستوری، از قبیل تکرار، هم‌معنایی، تضاد

معنایی، جزء و کل، برابری، نام‌گذاری و تشابه، با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن سوره لیل حضور دارند و تنها عامل انسجامی «نام‌گذاری» در متن سوره یافت نشده است.

شایان توجه است، در این پژوهش، روش تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی است؛ به عبارت دیگر برای تجزیه و تحلیل آیات سوره منتخب لیل، از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود که در آن، محتوای آشکار پیام‌ها به‌طورکمی و نظام‌دار توصیف می‌شوند. جامعه آماری این تحقیق نیز تمامی آیات سوره مبارکه «لیل» از قرآن کریم است.

در زمینه انسجام به‌طورکلی پژوهش‌های فراوانی صورت پذیرفته که از میان پژوهش‌های نگارش‌یافته در ایران، تنها مقاله‌های از بیوک (۱۳۷۹)، آفاگل‌زاده (۱۳۸۵) و سارلی و ایشانی (۱۳۹۰) بر اساس الگوی تکامل‌یافته هالیدی و حسن (۱۹۸۵) انتشار یافته است؛ البته سارلی و ایشانی تنها به اثبات کاربست این الگو با متون ادبی (قصه نردبان) پرداخته و ثابت نموده‌اند که می‌توان این الگو را در هر متنی - اعم از ادبی و غیر ادبی - به‌کار گرفت. بیوک (۱۳۷۹) نیز در مقاله‌ای به کاربست این نظریه با متون نثر فارسی در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت تعامل زنجیره‌ای واژه‌ها در داستان کوتاهی از همینگوی» پرداخته است. این پژوهش فقط بر اساس مقاله حسن (۱۹۸۴) نگارش یافته است. آفاگل‌زاده (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی» مفاهیم نظری زبان‌شناسی نقش‌گرا را معرفی نموده و سپس کاربست آنها را در یکی از غزلیات حافظ، با تکیه بر کارآمدی زبان‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل متون ادبی نشان داده است؛ اما تأکید ایشان بر معرفی زبان‌شناسی نقش‌گرا بوده و اصلاً انسجام یا عوامل انسجامی را مطرح نکرده است. ایشانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای جداگانه به تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل از حافظ و سعدی بر اساس الگوی انسجام (۱۹۸۵) و تأثیر این عوامل بر بیشتربودن انسجام در غزل سعدی نسبت به حافظ اقدام نموده است.

در حوزه انسجام در متن اصلی سوره‌های قرآن که موضوع بحث ماست نیز پژوهش‌های فراوانی صورت پذیرفته است؛ ولی غالب آنها جنبه نظری و انتزاعی داشته و کمتر به صورت کاربردی به بررسی انسجام در متن سوره‌های قرآن پرداخته‌اند. از طرفی غالب مقالات صورت‌یافته در باب انسجام در قرآن بر اساس نظریه اول هالییدی و حسن (۱۹۷۶) نگارش یافته و به هماهنگی انسجامی و ماهیت تعامل زنجیره‌ای واژه‌ها توجه چندانی نشده است. برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: ۱. فصیحی هرنندی (۱۳۸۰)؛ ۲. رجیبی (۱۳۹۴)؛ ۳. آذرنژاد (۱۳۸۵)....

از طرف دیگر در راستای انسجام در سوره‌های قرآن کریم نیز بر اساس الگوی هالییدی و حسن (۱۹۸۵)، تا آنجا که بررسی شد، تا کنون پژوهشی انجام نشده است؛ به‌جز مقالاتی از ایشانی و قزوینی (۱۳۹۲) و (۱۳۹۴) که در آن به بررسی عوامل انسجام در ترجمه فارسی صفارزاده از سوره‌های (صف، بینه و اعلی) پرداخته‌اند که نگارنده، خدمت علمی ایشان به ساحت مقدس قرآن کریم را ارج نهاده و از برخی نظرات ارزشمند و کارشناسانه ایشان در ارتقای کمی و کیفی مقاله خود بهره گرفته است. قابل ذکر است تا آنجا که نگارنده این پژوهش مطلع است، تا کنون پژوهشی از منظر انسجام در متن سوره مبارکه لیل صورت نگرفته است؛ البته با عنایت به نگرش‌های برخی ناقدان و قرآن‌پژوهان غربی از قبیل نولده، بلاشر، آربری و... در باب عدم انسجام و نظم در قرآن کریم که بعضاً هم در برخی مجلات به نقد کشیده شده است، به نظر می‌رسد که ارزیابی و تحلیل این سوره نیز از منظر تعیین درصد انسجام متنی و سنجش میزان تعامل واژه‌ها به صورت عملی و نظام‌مند برای رفع اتهامات قرآن‌پژوهان غربی و شقاق‌شناسان در باب عدم انسجام متن سوره‌های قرآن مفید و لازم باشد.

الف) گفتمان و تجزیه و تحلیل کلام

ساختار نظری این تحقیق در حوزه گفتمان و زبان‌شناسی متن و بر اساس آرای هالییدی و حسن (۱۹۸۵) در خصوص انسجام متن می‌باشد که در این قسمت معرفی می‌گردند. نقش‌گرایان بر این باورند که زبان ابزار و وسیله ارتباط میان انسان‌هاست و مطالعه و

توصیف آن، باید صور اشکال زبانی را دربارهٔ ایفای این نقش ارتباطی بررسی نماید. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که در این رابطه ظهور کرده، به سخن‌کاوی یا تحلیل گفتمان معروف است. آنچه در تحلیل گفتمان اهمیت دارد، بررسی کاربرد زبان - چه در صورت گفتاری و چه در صورت نوشتاری - است. در این بررسی‌ها واحد زبان فراتر از کلمه و جمله، یعنی متن و کلام است. از جمله آثار مطرح در این زمینه می‌توان به (2008) jhonstone و Richard (2002) و Thompson (1996) ... اشاره کرد؛ اما هالیدی در چارچوب نظریات نقش‌گرا از پیش‌تازان این نحله محسوب می‌گردد؛ لذا اساس و قوام این پژوهش بر پایهٔ بنیان‌های نظری اوست.

هالیدی (۱۹۸۵) متن را واحد زبانی می‌داند که دارای تمامیت معنایی است و می‌تواند گفتاری و نوشتاری باشد. همو اظهار می‌دارد که مشخصهٔ اولیه‌ای که تعیین می‌کند یک سری از جملات تشکیل متن می‌دهند یا نه، بستگی به روابط انسجامی دارد که در میان جملات وجود دارد. این روابط انسجامی باعث خلق بافتار می‌شوند. بافتار، اساسی برای یکپارچگی و همبستگی معنایی در متن است و متن بدون بافتار، فقط گروهی از جملات منفرد و بدون ارتباط با یکدیگر است؛ البته بافتار به چیزی بیشتر از حضور روابط معنایی انسجام نیاز دارد و باید از پیوند در معانی حقیقی نیز برخوردار باشد.

ب) نظریهٔ انسجام و هماهنگی انسجامی هالیدی و حسن (۱۹۸۵)

مایکل هالیدی و رقیه حسن از جمله زبان‌شناسان ساخت‌گرایی هستند که در پژوهش‌های خود به روابط بین جمله‌ای متن با عنوان انسجام متنی پرداخته‌اند. همانان ابتدا در سال ۱۹۷۶ ابزارهای آفرینندهٔ انسجام متن را در زبان انگلیسی به سه دسته کلی انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام پیوندی (ربطی) تقسیم کردند؛ سپس در سال ۱۹۸۵ این تقسیم‌بندی را در اثر مشترک دیگر خود گسترش دادند. بر اساس الگوی نقش‌گرای هالیدی و حسن معانی از طریق واژگان در نظام دستور زبان قرار می‌گیرند و سپس به صورت الفاظ تحقق می‌یابند. در این طبقه‌بندی مرز میان واژگان و

دستور به خوبی مشخص نشده است. در واقع اصل حاکم بر زبان این است که بخشی از معانی از طریق دستور و بخش بیشتر و خاص تر آن از طریق واژگان ارائه می‌گردد. روابط انسجامی نیز از همین الگوی همگانی پیروی می‌کند؛ یعنی قسمتی از آن به وسیله دستور و قسمتی دیگر از طریق واژگان بیان می‌گردد (ر.ک: هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص ۵). بر همین اساس آنان انسجام را در دو گروه کلی انسجام واژگانی و انسجام دستوری تقسیم کرده‌اند. مفهوم انسجام دستوری و انسجام واژگانی به چگونگی سازمان یافتن کلام یا متنی اشاره دارند که یک مجموعه منسجم را تشکیل می‌دهد. حضور واژه‌های مشابه و مرتبط، انسجام واژگانی متن را به وجود می‌آورد. واژگان همانند رگه‌های پراکنده شده در سراسر متن هستند تا بدین وسیله متن واحدی را ایجاد کنند و منظور از انسجام دستوری این است که ساخت جملات و عناصر دستوری باعث انسجام متون گردد (ر.ک: هلیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص ۲۰۱). عوامل ربطی نیز به هر دو گروه واژگانی و دستوری تعلق دارند؛ یعنی هم از طریق دستور و هم به کمک واژگان به انسجام متن کمک می‌کنند. اکنون به بررسی اجمالی تک تک عوامل انسجام با ذکر مثال پرداخته می‌شود. شایان توجه است، این پژوهش بر اساس مدل تکامل یافته نظریه هالییدی و حسن (۱۹۸۵) نگاشته شده و انسجام غیرساختاری در آن مورد نظر است.

شکل تغییر یافته و تکاملی تقسیم‌بندی این دو زبان‌شناس و زیرمقوله‌های منظور شده برای آن، در جدول ۱ به اختصار نشان داده شده است:

جدول شماره ۱) خلاصه‌ای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, 1985: 82)

انسجام غیرساختاری (non – structural cohesion)

روابط اندام‌وار (organic relations)

روابط عناصر سازنده (componential relations)

	(device) (typical tie relations)	عناصر رابطه نوعی گره	عوامل انسجام دستوری
<p>۱. پیوندی (conjunctions)</p> <p>۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs)</p> <p>مثال: جوابی که پس از سؤال می‌آید. پذیرشی که پس از پیشنهاد می‌آید و...</p>	<p>هم‌مرجع</p> <p>هم‌طبقه (co)</p>	<p>(reference) الف) ارجاع</p> <p>۱. ضمیری (pronominals)</p> <p>۲. اشاره‌ای (demonstrative)</p> <p>(co - reference)</p> <p>۳. حرف تعریفی (definitive article)</p> <p>۴. مقایسه‌ای (comparative)</p> <p>ب) جانشینی و حذف (substitution & ellipsis)</p> <p>۱. اسمی (nominal)</p> <p>۲. فعلی (verbal)</p> <p>classification</p> <p>۳. جمله‌ای (clausal)</p>	
<p>تمدیدی (continuative):</p> <p>مثال: هنوز</p>	<p>هم‌طبقه (co)</p> <p>یا</p> <p>هم‌گستر (co -)</p> <p>هم‌مرجع (reference)</p> <p>یا هم‌طبقه (co -)</p>	<p>الف) عام (general)</p> <p>۱. تکرار (repetition)</p> <p>۲. هم‌معنایی (synonymy)</p> <p>classification</p> <p>۳. تضاد معنایی (antonymy)</p> <p>۴. جزء و کلّ (meronymy)</p> <p>(extention)</p> <p>ب) نمونه‌ای (موردی) (instantial):</p> <p>۱. برابری (equivalence)</p> <p>۲. نام‌گذاری (naming)</p> <p>(co -)</p> <p>۳. تشابه (semblance)</p> <p>classification</p>	عوامل انسجام واژگانی

انسجام ساختاری (structural cohesion):

الف) توازن (parallelism).

ب) بسط مبتدا - خیر (theme - rheme development).

ج) سازمان‌دهی (اطلاعات) کهنه و نو (given - new organization)

در ادامه با توجه به جدول فوق، عوامل انسجام همراه با زیرمجموعه‌هایشان

به‌طور جداگانه و با ذکر نمونه‌هایی از متون مختلف، توضیح داده می‌شوند:

۱. انسجام دستوری

در این بخش از انسجام غیرساختاری، مباحث زیر قابل طرح است:

۱-۱. ارجاع

منظور از ارجاع (Reference) انواع مختلف عناصر ضمیری در متن است که با ایجاد ارتباط بین جمله‌های یک متن باعث انسجام متنی آنها می‌گردد. ارجاع دو گونه است: اگر مرجع (رجوع‌شونده) درون متن باشد، به آن نوع ارجاع «ارجاع درون‌متنی» گفته می‌شود و اگر مرجع در بیرون از متن قرار گیرد و تنها با توجه به موقعیت خارجی شناسایی شود. در این هنگام این نوع ارجاع را «ارجاع بیرون‌متنی / موقعیتی» می‌نامند؛ برای نمونه در متن «آن سال که برف سنگینی آمد، آقای شفیع، همسایه ما سر خورد و پایش شکست. همسایه‌ها او را به بیمارستان بردند» (سجودی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲) مرجع ضمیر «او»، واژه «شفیعی» می‌باشد که درون متن و قبل از ضمیر قرار گرفته و باعث پیوستگی و انسجام متن شده است. اما در بیت:

جرمی ندارم بیش از این، کز دل هوا دارم تو را

از زعفران روی من، رو می بگردانی چرا؟

(مولوی، ۱۳۷۶، ص ۵۶).

مرجع ضمیر «تو» درون متن (غزل) نیامده است و با توجه به مضمون و محتوای غزل متوجه می‌شویم که مرجع ضمیر، «محبوب / معشوق» است. ارجاع درون‌متنی، خود به دو بخش «ارجاع به ما قبل» و «ارجاع به ما بعد» تقسیم می‌شود (Haliday & Hasan, 1984, p.39).

۱-۲. جانشینی (Substitution)

زمانی است که یک عنصر برای جلوگیری از تکرار، جانشین عنصر دیگری در متن می‌شود؛ جایگزینی در زبان فارسی بسامد بالایی ندارد. مثال: «این کفش را نمی‌خواهم، آن یکی را می‌خواهم».

۱-۳. حذف

حذف (Ellipsis) یک یا چند عنصر به قیاس عناصر قبلی موجود در متن به منظور

ایجاد انسجام است. «حذف یک پیوند درون‌متنی است و در بیشتر موارد عنصر پیش‌انگاشته در متن قبلی وجود دارد» (Hasan & Haliday, 1976, p.144) که به سه نوع حذف اسمی، فعلی و بندی تقسیم می‌شود؛ برای نمونه «برای جشن مدرسه، مریم شیرینی آورد و مهری میوه». بدیهی است که مهری میوه «آورد»؛ اما فعل حذف شده است.

۲. انسجام واژگانی

واژه به عنوان مهم‌ترین ابزار انتقال اندیشه و زبان نویسنده، نقش بسزایی در انسجام و پیوستگی مطالب یک متن ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که نحوه کاربرد واژگان در یک متن، نوع متن و سبک صاحب اثر را آشکار می‌سازد؛ به این دلیل که معنا از طریق واژگان منتقل می‌شود؛ بنابراین

واژه‌ها در انزوا دارای معنا نیستند. به‌طورکلی معنای یک واژه یا به صورت ساده یا به صورت مرکب با معانی واژه‌های دیگر زبان در ارتباط است... وظیفه عمده معناسازی واژگانی روشن و مشخص کردن این روابط معنایی است (ترسک، ۱۳۸۰، ص ۸).

این ارتباط معنایی میان واژگان یک متن، انسجام واژگانی نامیده می‌شود. هر چه این ارتباط قوی‌تر باشد و واژگان یک متن از لحاظ معنایی پربارتر باشد، متن منسجم‌تر می‌شود. مهم‌ترین عوامل انسجام واژگانی از نظر هالییدی و حسن شامل دو بخش است:

۲-۱. انسجام واژگانی عام

انسجام واژگانی عام خود بر چهار گونه است:

۲-۱-۱. تکرار

تکرار (Reiteration) یکی از ابزارهای انسجام‌آفرینی متن است که طی آن عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شود که در مقوله‌هایی گوناگون، مانند «هم‌معنایی یا مترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی» و «رابطه جزء و کل» انجام می‌گیرد.

۲-۱-۲. هم‌معنایی

کلماتی که از نظر معنا معادل، مشابه یا یکسان با کلمه دیگر هستند و به منظور دوری از تکرار یک کلمه در متن به کار می‌روند و باعث انسجام، تنوع و جذابیت بیشتر یک متن برای خواننده می‌شوند. «می‌رفتم هزار جور خفت و مذلت به خودم هموار می‌کردم... با چه خفت و خواری خودم را کوچک و ذلیل می‌کردم». واژه «خفت» نه تنها تکرار شده است، بلکه به واژه‌های «خواری» و «مذلت» نیز به عنوان واژه هم‌معنا و مترادف، عطف شده است.

۳-۱-۲. تضاد معنایی

در این گونه رابطه واژه‌ها یا واحدهای واژگانی، معناهایی متضاد با یکدیگر دارند؛ برای نمونه واژه‌های «زیر و رو»، «تر و خشک» و «مستی و هشیاری» جفت‌واژه‌های متضادی هستند که به زیبایی در ساختار متن قرار می‌گیرند.

۴-۱-۲. شمول معنایی یا جزء و کل

شمول معنایی (Hyponymy) به حالتی اشاره دارد که معنای یک واژه به‌طور کامل توسط یک واژه دیگر که معنای فراگیرتری دارد، پوشش داده شود (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸)؛ برای نمونه در دو بند «فهمیدم که آن گل‌های نیلوفر گل معمولی نبوده»، واژه «گل» واژه شامل و واژگان «نیلوفر» و «گل معمولی» زیرشمول هستند.

۲-۲. انسجام واژگانی موردی یا نمونه‌ای

عواملی مانند برابری (Equivalence)، نام‌گذاری (Naming) و تشابه (Semblance) در این مجموعه قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که برای عامل واژگانی موردی نمی‌توان نمونه‌ای خارج از متن به دست داد؛ زیرا در این مورد مثال‌ها تنها در آن متن، عامل انسجامی به شمار می‌روند؛ مثلاً در متنی که عامل انسجامی «او» به شخصی به نام مریم ارجاع داده می‌شود، ارجاع تنها در همان متن صورت می‌گیرد، نه در دیگر متن‌ها. به همین سبب، رقیه حسن این گونه عوامل انسجام واژگانی را محدود (مقید) به متن (Bound-Text) دانسته، معتقد است اعتبار این عامل به عنوان محصولی مخصوص همان متن است و در نظام زبانی توسعه نمی‌یابد؛ به عبارت دیگر این عامل تنها در همان متن از طریق

بافت زبانی معتبر است (حسن، ۱۹۸۴، ص ۲۰۱).

گره

آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند، «گره» (Tie) است. گره یک عنصر از یک جمله را به عنصری دیگر در جمله‌ای دیگر ربط می‌دهد. هالییدی و حسن بر اهمیت «گره»- و به عبارتی «دوتابودن و باهم آمدن یک جفت عنصر که از نظر انسجامی به هم مربوط‌اند»، بسیار تأکید کرده‌اند (قوامی و آذرخوا، ۱۳۹۲، ص ۷۶). رقیه حسن به سه نوع گره در رابطه معنایی متن اشاره می‌کند:

الف) هم‌مرجع بودن (Co-references)؛ در این حالت گره‌ها بیشتر با عناصر ارجاعی شناخته می‌شوند. ب) هم‌طبقه‌بودن (Co-Classification)؛ در این حالت گره‌ها در مقوله جایگزینی و حذف قرار می‌گیرند. ج) هم‌گستر بودن (Co-extensions)؛ عناصر واژگانی بیشتر در این نوع قرار می‌گیرند.

ج) روش پژوهش

پژوهش حاضر غالباً از تحقیقات بنیادی نظری است. در این پژوهش تلاش می‌شود با کاربری شیوه علمی توصیفی- تحلیلی و نیز آماری با تکیه بر الگوی انسجام متنی هالییدی و حسن (۱۹۸۵) انسجام غیرساختاری و میزان آن در سوره «لیل» بررسی شود، سپس به‌طور مختصر نتایج پژوهش به صورت نموداری مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌گیرند. قابل ذکر است نمونه منتخب مورد پژوهش (جامعه آماری) متن کامل سوره «لیل» از قرآن کریم است که گزینش آن به‌طورکامل تصادفی و موردی صورت گرفته است.

۱. روش تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در متن

برای نشان دادن انسجام در یک متن، انجام مراحل زیر به ترتیب ضروری است:

۱. ابتدا متن را به جمله‌های ساده و نه مرکب تقسیم می‌کنیم. ۲. سپس واژه‌ها و عبارات موجود در هر جمله ساده را بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و... به صورت جداگانه و مشخص می‌نویسیم. این کار در محاسبه کل نمونه‌ها، یعنی

نمونه‌های شرکت‌کننده در این پژوهش به ما کمک می‌کند. ۳. از میان واژگان و عبارات نوشته‌شده (کلّ نمونه‌های شناسایی‌شده در این پژوهش) عوامل انسجام واژگانی و دستوری موجود در متن را بازشناسی می‌نماییم. ۴. در مرحله بعدی، این عوامل را در زنجیره‌هایی با عناوین یکسانی و شباهت قرارداده و نمونه‌های شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط) را محاسبه می‌کنیم. ۵. مرحله بعدی، محاسبه درجه انسجام متن است (محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کلّ نمونه‌ها).

۲. تحلیل داده‌ها: الگوی تجزیه و تحلیل انسجام

در آغاز پژوهش، مطابق الگوی هالیدی و حسن (۱۹۸۵) ابتدا آیات سوره لیل را به جملات و بندهایی ساده تقسیم نموده، سپس نمونه‌های اصلی و برجسته هر جمله ساده، صرف نظر از حروف ربط، حروف اضافه و... را به‌طور جداگانه می‌نویسیم. این واژه‌های تقسیم‌شده از منظر اینکه در کدام نوع عوامل انسجامی قرار می‌گیرند و با همدیگر چه نوع رابطه‌ای دارند، در زنجیره مناسب و مربوط به خود قرار داده می‌شوند. این موضوع در جدول شماره ۲ به‌طور شفاف نشان داده شده و تقسیم‌بندی شده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تعداد کلّ این عوامل انسجامی در تحلیل سوره لیل مجموعاً ۹۹ مورد است. تمام این عوامل به صورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط معنایی دارند.

در سمت راست جدول به ترتیب شماره آیه و شماره جمله و سپس هر یک از واژه‌ها با توجه به شکل به صورت تفکیک‌شده نوشته شده است تا رابطه هر واژه با واژه‌های دیگر جملات - که در ردیف‌های افقی بعدی می‌آید - مشخص شده، در زیر همان واژه و در یک ستون عمودی قرار گیرد. این کلمه‌ها همان عوامل انسجامی واژگانی و دستوری هستند که در مرحله نهایی کار نیز جهت یافتن درصد پیوستگی متن مورد نیاز خواهند بود.

جدول شماره ۲) بررسی عوامل انسجام واژگانی و دستوری در سوره «لیل»

آیه	جمله	لفظی	مادی	دلفظی	ریشه	وجودی												
۱	۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (أنا)	أبتداً															
۱	۲	(أنا) الله	الليل (أقسم)															
۱	۳			يعني	كأن (هو) الليل (شيء)													
۲	۴	(أنا) الله	أقسم النهار															
۲	۵			تجلى	(هو) النهار													
۳	۶	(هو) الله الخالق			الذكر والأني													
۴	۷			شئ	(هو) (يكون) سمعك													
۴	۸				مهما (الأمر) يكن													
۵	۹			أعطى (شيئاً)	من (هو)													
۵	۱۰			أثني	(هو)													
۶	۱۱			صنق	(هو)	الحسنه ي												
۷	۱۲	(نحن)		سئبتو	هـ	اليسرى												
۷	۱۳				مهما (الأمر) يكن													
۸	۱۴			يجل (بماه أو بطامة الله)	من (هو)													
۸	۱۵			استغى	(هو)													
۹	۱۶			كذبت	(هو)	الحسنه ي												

۳۳۱
ببین

تحلیل انسجام غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا

همان‌گونه‌که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، تمامی واژگان موجود در هر جمله ساده، به صورت تفکیک‌شده و افقی کنار هم گنجانده شده‌اند؛ برای مثال جمله ۱ از آیه ۱ عبارت است از جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» که در اصل جمله‌ای دووجهی (اسمیه - فعلیه) بوده و غالباً در مصادر نحوی بدین صورت مطرح است: «أبتداً بسم الله الرحمن الرحيم» که عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» متعلق به محذوف مقدر (ابتدائی یا أبتداً) است. در این جمله واژه «أنا» و عبارت «اسم الله» در یک ستون از جدول قرار می‌گیرند؛ زیرا هر دو هم‌زنجیره بوده و با هم تعامل واژگانی دارند؛ به عبارتی منظور از «أنا» همان خداوند متعال است و «اسم الله» نیز از لحاظ معنایی هم‌زنجیره و وابسته به واژه «أنا» است که به خداوند متعال بر می‌گردد.

قابل توجه است که در تحلیل عوامل انسجام، واژگان محذوف نیز در این جملات در نظر گرفته می‌شوند؛ بنابراین در تقسیم‌بندی آیات به جملات ساده، باید کلمات محذوف را نیز برگرداند و محاسبه نمود. در جمله شماره ۲ از آیه ۱ نیز که در اصل «أنا أقسم باللیل» بوده است، فعل قسم حذف شده است؛ لذا در تحلیل انسجام بر می‌گردد.

کلمات «الرحمن» و «الرحيم» نیز که از نظر معنایی به هم مربوط‌اند، در یک ستون جداگانه و مستقل نوشته شده‌اند. فعل جمله نیز در یک ستون مستقل قرار گرفته است.

در جمله شماره ۲ از آیه ۱ نیز «أنا» که به خداوند متعال بر می‌گردد، در زیر ستون «اسم الله» نوشته می‌شود و با هم در یک ستون عمودی قرار می‌گیرند؛ چراکه این دو واژه از جهت عامل انسجامی، رابطه هم‌معنایی با یکدیگر دارند. در همین جمله واژه «أقسم» با فعل «أبتداً» در یک ستون عمودی و درحقیقت در یک مجموعه قرار می‌گیرند؛ زیرا نوع ارتباط آنها با یکدیگر جزء و کل است؛ همچنین دو فعل مذکور از دیدگاه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا، از یک فرایند، یعنی فرایند لفظی یا کلامی به شمار می‌روند و در نتیجه نوع ارتباط آنها با یکدیگر از نوع جزء و کل به شمار می‌رود.

واژه «لیل» نیز که در این جمله با واژه‌های دیگر هیچ‌گونه ارتباطی ندارد، در یک ستون مستقل و جداگانه قرار می‌گیرد. بر همین اساس روند کار ادامه پیدا می‌کند تا

انسجام واژگانی	تضاد معنایی	اللّیل (۲) التّهار (۴)	صدّق (۱۱) كذّبت (۱۶)	يَجِل (۱۴) استغنى (۱۵)	الدّكر (۶) الأُنثى (۶)	اليسرى (۱۲) الغسرى (۱۷)	الأخرة (۲۲) الأولى (۲۲)	الأشقى (۲۴) الأُنثى (۲۴)			
جزء و كل	الرحمن الرحيم (۱) الأعلى (۳۱) ابتدا (۱) أقسم (۲) صدّق (۱۱) كذّبت (۱۶) (فرابند كلامی) / أعطى (۹) أنقى (۱۰) يعشى (۳) تجلّى (۵) شقى (۷) أعطى (۹) أنقى (۱۰) سنّيتيّ (۱۲ و ۱۷) يجل (۱۴) استغنى (۱۵) يحنى (۱۸ و ۲۰) أنذرث (۲۳) لا يصلى (۲۴) تولى (۲۶) يحنث (۲۷) يؤتى (۲۸) يتزكى (۲۹) تُجزى (۳۰) ابتغاه (۳۱) (فرابند مادى) / تَرُدّى (۱۹) يرضى (۳۲) (فرابند ذهنى) الحسنى (۱۶) اليسرى (۱۲) اللّيل (۲) كلّ شيء (۳) الخالق (۶) (الدّكر و الأُنثى) (۶)										
برابری	أنا (۲۳) نحن (۱۲ - ۱۷)										
نام‌گذاری											
تشابه	الحسنى (۱۱) الحسنى (۱۶)	سنّيتيّ (۱۲) سنّيتيّ (۱۷)	أقسم (۲) أقسم (۴)								

در مرحله بعد، عوامل ایجادکننده انسجام در متن، در زنجیره‌هایی با عناوین یکسانی و شباهت قرار می‌گیرند و نمونه‌های مرتبط محاسبه می‌شوند. بر اساس نظریه انسجام هالییدی و حسن (۱۹۸۵)، عوامل انسجام دستوری در زیرمجموعه زنجیره‌های یکسانی و عوامل انسجام واژگانی، جزء زنجیره‌های شباهت قرار می‌گیرند. در این مرحله، تنها عوامل انسجامی‌ای شرکت می‌کنند که در یک زنجیره (ستون) حداقل دو عضو داشته باشند؛ زیرا اثبات شباهت و یکسانی حداقل دو جزء یا نمونه را طلب می‌کند. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌گردد (۴) نمونه بدون هم‌زنجیره در جمله‌های شماره ۶: «الدّكر و الأُنثى» و شماره ۲۲: «الأولى» و «الأخرة» و شماره ۳۲: «نفسه» وجود دارد که نمونه‌های جنبی نامیده می‌شوند. اما دیگر نمونه‌ها همگی دارای هم‌زنجیره بوده و با دیگر نمونه‌های جدول ارتباط داشته، «گره» (Tie) را تشکیل داده‌اند. قابل ذکر است که در جدول شماره ۴ تمامی نمونه‌های بی‌هم‌زنجیره حذف خواهند شد. در جدول شماره ۴ ارتباط عوامل انسجامی به صورت ستونی نشان داده شده است. واژگانی که در جدول شماره ۳ جزء عوامل انسجام دستوری هستند، در جدول شماره ۴ در زنجیره یکسانی قرار داده شده و بر اساس حرف اول آن با علامت اختصاری «ی» مشخص شده‌اند و واژگان دیگری که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی هستند، در زنجیره شباهت با علامت اختصاری «ش» در جدول قرار گرفته‌اند. اگر میان واژگان یا نمونه‌های جدول شماره ۴، هم رابطه یکسانی و هم رابطه شباهت باشد، در آن صورت،

این گونه واژگان دوجانبه در زیر علامت اختصاری «ی/ش» یعنی (یکسانی - شباهت) نوشته شده‌اند:

جدول شماره ۴) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در سوره لیل

ایه	حمد	ی / ش	ش	ش	ی	ی	ی	ی / ش	ی	ی / ش	ش	ش	ی / ش	ش	ش	ی / ش	ش
۱	۱	بسم الله (انا)	الرحمن	أبتدأ													
۱	۲	(انا) الله		(اقسم)	اللَّيْل												
۱	۳							(هو)	يغشى	(كلّ شيء)	اللَّيْل						
۲	۴	(انا) الله		(اقسم)	التَّهَار												
۲	۵							(هو)	تَجَلَّى	التَّهَار							
۳	۶	(هو) الله	الخالق														
۴	۷					(هو)	سعيكم		شئى								
۴	۸					(يكن)	(الأمر)										
۵	۹					من (هو)				أعطي	(شيئاً)						
۵	۱۰					(هو)				أَنْقَى							
۶	۱۱		الحسنى			(هو)				صَدَّقْ							
۷	۱۲	(نحن)	اليسرى			هـ (هو)				سَنُيَبِّئُ							
۷	۱۳					(يكن)	(الأمر)										
۸	۱۴					من (هو)				بِجَلِّ	(بماله أو بطاعة الله)						
۸	۱۵					(هو)				اسْتَقَى							
۹	۱۶		الحسنى			(هو)				كَذَّبْ							
۱۰	۱۷	(نحن)	الغسرى							سَنُيَبِّئُ							
۱۱	۱۸					هو (مال)				يُعْطَى	ماله						
۱۱	۱۹					(هو)				تُرَبَّى							
۱۱	۲۰					(هو)				(يعني)	(اماله)						
۱۲	۲۱	نا (الله)				(يكون)											الهدى
۱۳	۲۲	نا (الله)				(يكون)											
۱۴	۲۳	ث (الله)				كم				أَنْذَرْتُ							ناراً تَلْقَى
۱۵	۲۴									لا يَصْلَى	ها						الأشقى
۱۶	۲۵					الذى (هو)				كَذَّبْتُ							(التار)

۲۳۶
 دهن
 بهار ۱۳۹۸ / شماره ۷۷ / محمدحسین امرائی

							تَوَلَّى					۲۶	۱۶
الْأَتَقَى					ها		يُجْتَنَّبُ					۲۷	۱۷
				الذی (هو)		ماله	يُؤْتَى					۲۸	۱۸
				(هو)			يَتَرَكَّى					۲۹	۱۸
				أحد		نعمة						۳۰	۱۹
						هي (نعمة)	تُحْزَى					۳۱	۲۰
				ه (هو)			ابتغاء		الأعلى	وجه رب		۳۲	۲۱
				(هو)	يرضى							۳۳	۲۱

اکنون با نظر به مبانی نظری ارائه‌شده، درجهٔ انسجام متن سوره لیل به صورت عملی و نظام‌مند محاسبه می‌گردد. برای این کار لازم است درصد نمونه‌های مرتبط - دارای ارتباط با دیگر زنجیره‌ها - را نسبت به کل نمونه‌ها بسنجیم. کل نمونه‌ها شامل عوامل شرکت‌کننده در جدول شماره ۲ هستند. نمونه‌های مرتبط نیز شامل عوامل انسجامی‌ای هستند که در جدول شماره ۴ نشان داده شده و با دیگر واژه‌ها دارای ارتباط بوده و تشکیل گره داده‌اند. نمونه‌های جنبی نیز عبارت‌اند از واژگانی که در جدول شماره ۴ دیده نمی‌شوند. بر اساس جدول شماره ۲ کل نمونه‌ها در سوره لیل ۹۹ مورد است. نمونه‌های مرتبط ۹۵ مورد و نمونه‌های جنبی نیز تنها ۴ مورد است که عبارت‌اند از: واژگان «الذکر والأنتی» در جمله شماره ۶، «الأولی» و «الآخرة» در جمله شماره ۲۲ و «نفسه» در جمله شماره ۳۲. بر همین اساس انسجام سوره لیل - نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها - ۹۵٪ است. این رقم نشان می‌دهد که سوره لیل بر اساس الگوی هالییدی و حسن (۱۹۸۵) از انسجام بسیار بالایی برخوردار است و این موضوع درحقیقت، پاسخی مطلوب به ناقدان معاصر غربی است که معتقدند قرآن به دلیل نزول تدریجی آن، فاقد انسجام و پیوستگی متنی است. با نظر به اینکه روش آماری در تجزیه و تحلیل موضوعات نسبت به روش ادبی، دقیق‌تر و مطمئن‌تر است، در این بخش از مقاله برآنیم میزان انسجام را در سوره لیل بررسی آماری و داده‌های به‌دست‌آمده از جدول‌ها را به صورت کمی بررسی کنیم:

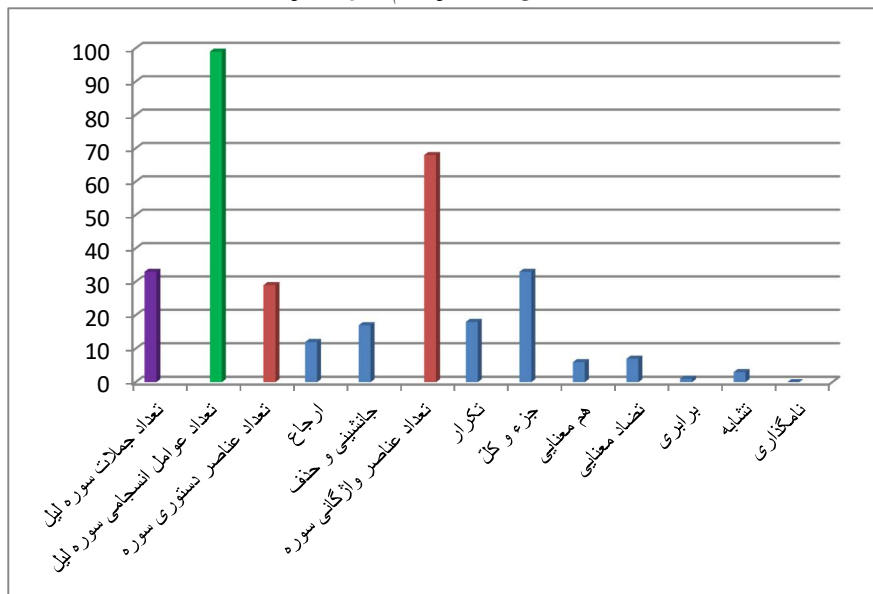
جدول شماره ۵) توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در سوره لیل

عنوان	فراوان	عوامل دستوری	عوامل واژگانی
-------	--------	--------------	---------------

سوره لیل	عوامل / درصد	ارجاع	جانشینی و حذف	تکرار	جزء و کل	هم- معنای	تضاد معنای	برابری	تشابه	نامگذاری
سوره لیل	۱۲	۱۷	۱۸	۳۳	۶	۷	۱	۳	-	-
درصد	۳۷٪	۱۷/۵۲٪	۵۵٪	۳۴/۰۲٪	۶/۱۸٪	۷/۲۱٪	۱/۰۳٪	۱/۰۹٪	۳٪	-
سوره لیل	درصد کلی	۲۹/۸۹٪		۷۰/۰۸٪						

با دقت در جدول شماره ۵ قابل دریافت است که این جدول بیانگر تفاوت در نسبت عوامل دستوری و واژگانی سوره لیل است. این تفاوت در عوامل انسجामी سوره بیشتر نمایان است.

نمودار فراوانی کاربرد عوامل انسجام در متن سوره لیل



جدول شماره ۶) توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در سوره لیل

متن	کل نمونه‌ها	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های جنبی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها
سوره لیل	۹۹	۹۵	۴	۹۵ / ۹۵٪

نتیجه‌گیری

در مطالعات قرآنی غربیان در دهه‌های اخیر به مناسبت‌های مختلف، به‌ویژه اصل نزول تدریجی قرآن، موضوع عدم انسجام و بی‌نظمی در قرآن مطرح شده است. قرآن‌پژوهان مسیحی و یهودی با جبهه‌گیری اعتقادی خاص خود نسبت به قرآن، همواره با دیدی عیب‌جویانه و منفی قرآن را مورد نقد قرار داده‌اند. همانان با نگرش‌های تشکیکی و تردیدآمیز اصل جمع و تدوین قرآن و نظم و تناسب آن را امری بشری و سلیقه‌ای قلمداد کرده‌اند. در مقابل این نظریه، دانشمندان مسلمانان از قرن‌ها پیش انسجام قرآن و یا به تعبیری نظم آن را مسلم دانسته‌اند و نظریات ارزنده‌ای هم در همین راستا ابراز داشته‌اند که مهم‌ترین و نخستین آنها «نظریه نظم» از عبدالتاهاهر گرگانی است. مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر نیز در پاسخ به شبهات و اشکالات تراشی‌های خاورشناسان مبنی بر گسستگی و عدم انسجام متن قرآن، بر انسجام و وحدت سوره‌های قرآن تأکید کرده‌اند. آنان در تحقیقات خود بر این عقیده‌اند که سوره‌های قرآن دارای ساختاری منظم و منسجم است و هر کدام از سوره‌ها دقیقاً کلی هماهنگ و متناسب‌اند.

در این پژوهش با استفاده از الگوی عملی و نظام‌مند مایکل هالییدی و رقیه حسن (۱۹۸۵م) به اندازه‌گیری و تعیین میزان انسجام در متن سوره منتخب «لیل» از قرآن کریم پرداخته شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس این الگو، کاملاً همسو و موافق با نظر مسلمانان و در تقابل و تضاد با نظریه غربی‌ها و مستشرقان است. کاربست الگوی انسجام هالییدی و حسن (۱۹۸۵م) در سوره منتخب «لیل» نشان داد که این سوره از انسجام متنی بسیار بالایی (۹۵/۹۵٪) برخوردار است؛ بنابراین دقت و تأمل در نسبت عوامل انسجام در متن سوره لیل از قرآن کریم، ضمن اذعان به درصد بسیار بالای انسجام و پیوستگی در متن سوره، حامل پیام و پاسخی عملی و کاربردی به اتهامات ناروای مستشرقان و قرآن‌پژوهان غربی در موضوع عدم انسجام قرآن کریم است و قویاً نشان می‌دهد که ادعای آنان در مورد عدم انسجام آیه‌ها و سوره‌های قرآن کریم بی‌اساس و فاقد وجاهت منطقی و علمی است.

شایان توجه است، از میان تمامی عوامل و ابزارهای انسجامی در متن سوره «لیل»، عامل انسجامی «جزء و کل» در متن سوره بیشترین کاربرد را دارد و در مقابل، عامل واژگانی برابری نیز کمترین کاربرد را داشته است. تمامی عوامل انسجام واژگانی و دستوری به جز عامل واژگانی «نام‌گذاری» با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن سوره لیل حضور فعال دارند.

بررسی‌ها نشان داد که کاربرد عامل انسجامی تکرار در متن سوره، پس از عامل جزء و کل، بالاترین بسامد را یافته است که این موضوع با اهداف تربیتی و اعتقادی قرآن کریم نیز مطابق و همسوست.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، عوامل دستوری جانشینی و حذف، پس از عوامل واژگانی جزء و کل و نیز تکرار، جایگاه سوم را از منظر بسامد فراوانی به خود اختصاص داده است که این موضوع غالباً به سبب حذف ضمیر در افعال می‌باشد که در زبان عربی بیشتر از فارسی رخ می‌دهد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. اصلاحی، امین احسن؛ تدبر قرآن؛ پاکستان - لاهور: [بی‌نا]، ۱۹۶۷-۱۹۸۰م.
۲. ایشانی، طاهره؛ «تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن»، فصلنامه زبان پژوهی؛ ش ۱۰، ۱۳۹۳.
۳. آربری، آرتون جان؛ خدمت و خیانت مترجمان قرآن: نقدی بر عملکرد مترجمان اروپایی؛ ترجمه محمدرسول دریایی؛ تهران: اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
۴. آقاگل‌زاده، فردوس؛ تحلیل گفتمان انتقادی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
۵. آقای، سیدعلی؛ پژوهشی درباره رهیافت "اصلاحی" در تفسیر قرآن، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی؛ ش ۲۳، ۱۳۸۶.
۶. بازرگان، عبدالعلی؛ نظم قرآن؛ تهران: قلم، ۱۳۷۵.
۷. بستانی، محمود؛ التفسیر البنایی للقرآن الکریم؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۲-۱۴۲۴ق.
۸. بل ریچارد و وات مونتگمری؛ درآمدی بر تاریخ قرآن؛ ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی؛ قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، ۱۳۸۲.
۹. بلاشر، رژی؛ در آستانه قرآن؛ ترجمه رامیار؛ تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۰. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم؛ قرآن ناطق؛ چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۱. ترسک، رابرت؛ مقدمات زبان‌شناسی؛ ترجمه فریاد اخلاقی؛ چ ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۲. تهانوی، اشرف علی؛ بیان القرآن؛ ۱۲ ج، چ ۱، کراچی، ۱۹۰۸م.

۱۳. حوی، سعید؛ *الاساس فی التفسیر*؛ ط ۳، القاهرة: دارالسلام لطباعة، ۱۹۹۱ م.
۱۴. خرماشاهی، بهاء‌الدین؛ *ذهن و زبان حافظ*؛ ج ۵، تهران: مه‌ارت، ۱۳۷۴.
۱۵. خوش‌منش، ابوالفضل؛ «بررسی تدوین و انسجام آیات قرآن از منظر شرق‌شناسان و آیت‌الله طالقانی»؛ *پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن*؛ ش ۸، ۱۳۸۹.
۱۶. ذوقی، امیر؛ «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم»، *مطالعات قرآن و حدیث*؛ ش ۲، ۱۳۹۲.
۱۷. رشید رضا، محمد؛ *تفسیر القرآن الحکیم* (تفسیر المنار)؛ القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.
۱۸. زمانی، محمدحسن و علی قانع اردکانی؛ «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»؛ *مجله قرآن پژوهی خاورشناسان*؛ ش ۱۲، ۱۳۹۱.
۱۹. سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی؛ «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان (قضه نردبان)»، *فصلنامه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*؛ ش ۴، ۱۳۹۰.
۲۰. سجودی، فرزانه؛ *نشانه‌شناسی کاربردی*؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.
۲۱. شلتوت، محمد، *تفسیر القرآن الکریم: الأجزاء العشرة الأولى*؛ القاهرة: دار الشروق، ۲۰۰۴ م.
۲۲. طباطبائی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. علی الصغیر، محمدحسین؛ *المستشرقون و الدراسات القرآنیة*؛ بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۴. فراهی، حمیدالدین؛ *مجموعه تفاسیر و تفسیر ۱۴ سوره*؛ گردآورنده امین اصلاحی؛ لاهور: مکتبه رحمانیة: ۱۹۳۰ م.
۲۵. سید قطب؛ *فی ظلال القرآن*؛ بیروت: دار الشروق، ۱۹۶۶ م.

۲۶. قوامی، بدریه و لیدا آذرنوا؛ «تحلیل انسجام و هماهنگی در شعری کوتاه از شاملو»، فصلنامه زبان و ادب فارسی؛ ش ۱۵، ۱۳۹۲.
۲۷. گلدزیهر، ایگناس؛ *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*؛ ترجمه ناصر طباطبائی؛ تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۸. گوستاولوبون؛ *تمدن اسلام و عرب*؛ ترجمه سیدهاشم حسینی؛ تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۷.
۲۹. مکوند، محمود و محمدکاظم شاکر؛ «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن، با تأکید بر دیدگاه میشل کوپیرس»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی؛ ش ۳، ۱۳۹۴.
۳۰. مودودی، امام ابوالاعلی؛ *تفهیم القرآن*؛ لاهور: دار العروبة للدعوة الاسلامیة، ۱۹۸۹ م.
۳۱. مولوی، جلال‌الدین محمد؛ *کلیات شمس*؛ تصحیح فروزانفر؛ ج ۱۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۳۲. میر، مستنصر؛ «انسجام در قرآن: مطالعه مفهوم نظم در تدبیر در قرآن اثر اصلاحی»، ترجمه ابوالفضل حری؛ کتاب ماه دین؛ ش ۱۶۳، ۱۳۹۰.
۳۳. نعمتی قزوینی، معصومه و طاهره ایشانی؛ «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*؛ ش ۷۴، بهار ۱۳۹۴.
34. Arberry, A. J.; **the Koran Interpreted**; New York: Macmillan Publishing Company, 1955.
35. Barthes, R; "The Death of the Author", **Modern Criticism and Theory**, David Lodge (ed); London and New York: Longman, 1988.
36. Barthelemy Saint Hilaire, Par M.J; **Mohammat et Le Koran**; paris: Didier, 1865.
37. Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan; **Cohesion in English**; London: Longman, 1976.
38. Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (eds.); **Language, context, and text: Aspects of language in a social semiotic perspective**;

Deakin: Deakin University Press, 1985.

39. Hasan, R.; "Coherence and Cohesive Harmony", **Understanding Reading Comprehension: Cognition, language, and the structure of prose**, J. Flood (ed); Newark; Delaware: International Reading Association, 1984.

40. Saint-Hilaire, J.; **Barthelemy, Mahomet et le Coran**; Librairie acadmique Didier et C, Libraires-Editeurs, 1865.

41. Wansbrough, john; **quranic studies, surce and methods of scriptural interpretation**; London: Oxford university press, 1977.

42. Watt, W. Montgomery; **Bell's Introduction to the Qur'ân**; Edinburgh: Edinburgh University Press, 1970.

۲۴۴

دین

بهار ۱۳۹۸ / شماره ۷۷ / محمدحسین امرائی